



شنبه 17 مرداد 1394 - 07:39

## وقت‌کشی با پاسخ‌های نمایشی در برابر پرسش‌های فنی و حقوقی!

در حالی که دولت بطور مداوم از پیروزی خود در مذاکرات می‌گوید تا کنون پاسخ روشن و مستدلی به پرسش‌های فنی و حقوقی منتقدان توافق وین و قطعنامه 2231 نداده است.

در حالی که دولت بطور مداوم از پیروزی خود در مذاکرات می‌گوید تا کنون پاسخ روشن و مستدلی به پرسش‌های فنی و حقوقی منتقدان توافق وین و قطعنامه 2231 نداده است.

پس از پایان مذاکرات هسته‌ای ایران و 5+1 در وین، منتقدان توافق- که تیم رسانه‌ای دولت تلاش می‌کنند تا آنها را مخالفین اصل توافق معرفی کنند- در نقدهای متعدد به بررسی فنی و حقوقی مفاد توافق و قطعنامه 2231 پرداختند. اما متأسفانه دولتمردان به جای پاسخگویی فنی و حقوقی، به پاسخ‌های شبه سیاسی و برگزاری جلسات خنثی و یکطرفه اکتفا کردند.

برای مثال در میان تحریم‌های مختلف و پیچیده‌ای که بر ملت ایران تحمیل شده بود، تحریم فروش نفت خام یکی از دو تحریم اصلی و به عبارت دیگر ستون اصلی ساختمان تحریم‌ها بود. دلیل آن نیز بسیار روشن است. اقتصاد ایران وابستگی شدید به پول نفت داشته و دارد و دولت‌ها فارغ از گرایش‌های سیاسی‌شان و شعارهایی که در زمان انتخابات می‌دهند، بطور جدی تمایل به استفاده از پول نفت برای انجام برنامه‌های مد نظر خود دارند.

حال سوال مهم که با بررسی متن جمع‌بندی توافقنامه یا همان برجام برای کارشناسان ایجاد شده است این است که آیا ایران با پذیرش توافق‌نامه می‌تواند به پول‌های حاصل از فروش نفت خود در گذشته و نفتی که در آینده خواهد فروخت، دسترسی داشته باشد؟

متأسفانه علی‌رغم زحمات تیم مذاکره‌کننده، آمریکا و طرف‌های دیگر مذاکرات از دادن این امتیاز خودداری کرده و برجام نیز به صورت آشکاری درباره سرنوشت پول‌های نفتی و لغو تحریم‌های مربوط به آن ساکت بوده و در نتیجه رویه گذشته که در آن پول‌های نفتی محصور (Locking Up) می‌شد ادامه پیدا خواهد کرد.

علاوه بر این، ظاهراً خروجی مذاکرات هسته‌ای سه متن برجام (متن اصلی)، قطعنامه شورای امنیت و نقشه راه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای روشن کردن موضوعات باقیمانده گذشته و حال بوده است.

قطعنامه 2231 شورای امنیت ۲۹ تیر تصویب شده و وفق متن برجام، ۹۰ روز بعد از آن یعنی 26 مهرماه ۹۴ (18 اکتبر 2015) روز تصویب برجام محسوب می‌شود. 26 مهرماه یعنی روزی که تعهدات ایران در متن توافق شده با آژانس اجرا شده است.

به عبارت دیگر و مطابق تاریخ‌هایی که در برجام، قطعنامه و توافق ایران و آژانس به نحو حساب شده‌ای- بخوانید مودیان‌ای- در هم تنیده شده‌اند، حتی پیش از قطعی شدن برجام برای طرفین، ایران باید تعهدات خود در توافقش با آژانس را به صورتی مستقل و موازی با روند تصویب برجام انجام دهد. در نتیجه حتی اگر ایران برجام را تصویب هم نکند، به این تعهدات فوق‌العاده مهم بطور پیش‌بینی عمل کرده و امتیازات بسیار سنگینی را واگذار نموده است. نیاز به تأکید نیست که توافق ایران با آژانس، توافقی بسیار مهم و حاوی تعهداتی سنگین است که آمانو را به سنای آمریکا کشانده است اگرچه برخی مسئولان دولتی از آمانو خواسته‌اند که متن محرمانه توافق ایران با آژانس را در اختیار سنای آمریکا قرار ندهد!

جالب و تأسفبارتر اینکه علی‌رغم پذیرش این تعهدات سنگین توسط تیم محترم مذاکره‌کننده و اجرای کامل آن پیش از روز امضای توافق (!) و بدون طی روال قانونی در داخل کشور، در پایان اجرای همه این تعهدات، آژانس تنها باید گزارشی در رابطه با اقدامات شفاف‌ساز ایران ارائه کند و هیچ الزامی برای بستن موضوعات از سوی این نهاد وجود ندارد!

همچنین براساس آنچه در قطعنامه آمده است ایران با استناد به ماده 41 از فصل هفتم منشور سازمان ملل، «تهدیدی علیه صلح» تلقی شده است! و با پذیرش توافق وین نه تنها از دستور کار شورای امنیت بیرون نمی‌رود، بلکه دست‌کم برای مدت

10 سال دیگر تحت ماده 41 فصل هفتم باقی می‌ماند. و این نیز تحقیر دیگری و به مفهوم آن است که ایران مقتدر و پیشتاز را که تهدیدی علیه صلح جهانی و منطقه‌ای است، به بند کشیده! و فعلاً حداقل برای 10 سال مهار کرده‌ایم! علاوه بر این، سامانه دفاع نظامی پیشرفته جمهوری اسلامی ایران که برخورداری از موشک‌های بالستیک میان‌برد- و انشاءالله در آینده دوربرد- از جمله این تسلیحات مدرن است، یکی دیگر از پایه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران است، که بند 3 از ضمیمه B قطعنامه 2231، به گونه‌ای آشکار- و نه پنهان- می‌تواند کشورمان را از داشتن این تسلیحات پیشرفته و کارساز محروم کند. ضمن آن که اجازه بازرسی از مراکز نظامی و بازجویی از دانشمندان هسته‌ای و نظامی در پوشش ظاهر فریب «دیدارهای فنی و کارشناسی»! و موارد مشابه دیگری که پرداختن به آن فرصت جداگانه‌ای می‌طلبد، در صورت پذیرش توافق وین، می‌تواند ایران اسلامی را در عرصه توان نظامی و دفاعی به کشوری ضعیف و دست‌چندم تبدیل کند!

علاقه دولتمردان

به مونولوگ هسته‌ای!

همانطور که در ابتدای این گزارش نیز اشاره شد، دولتمردان همواره تلاش کرده‌اند که سوالات فنی و حقوقی را با عباراتی شبه سیاسی و بعضاً توهین‌آمیز پاسخ دهند.

برای مثال، آقای روحانی تاکید کرده است که فقط صهیونیست‌ها و جنگ‌طلبان آمریکایی مخالف توافق هستند! و اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور نیز در واکنش به منتقدان با ارائه آماری مخدوش و قابل تامل گفت: مخالفان توافق هسته‌ای در حد 4 درصد صحبت کنند!

از سوی دیگر، جلسات نمایشی بررسی توافق ژنو به مونولوگ هسته‌ای دولتمردان تبدیل شده و حاضرین تنها شنونده این اظهارات هستند. جلسه وزیر امور خارجه با شورای روابط خارجی و جلسه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای با کمیسیون امنیت ملی مجلس نمونه‌هایی از این قبیل جلسات است. در این جلسات نمایندگان دولت صرفاً به بیان دستاوردها پرداخته و تقریباً بحثی چالشی و عمیق درباره نقاط ضعف توافق بیان نمی‌شود و جای منتقدان جدی توافق نیز خالی است. از همین روست که تاکنون تقریباً بحثی فنی و حقوقی در دفاع از توافق منتشر نشده و موافقان نیز مباحثی بعضاً طنزآلود را مطرح کرده‌اند. از جمله یکی از نمایندگان موافق توافق که مدعی شده بود پس از توافق آب و هوای کشور عوض و بارانی شده است!

جلسات چندین ساعته فنی کنگره و سنا

این در حالی است که رویکرد آمریکا در مذاکرات هسته‌ای به گونه‌ای است که تاکنون جلسات متعدد و چندین ساعته در کنگره و سنا با موضوع هسته‌ای برگزار شده است و شدیدترین سوالات و نقدهای فنی خطاب به تیم مذاکره‌کننده بیان شده است.